

در امتداد تاریکی

کودک آزاری وحشتناک!

می خواهم فریاد بزنم «آهای دختران جوان! با چشم باز ازدواج کنید و با عجله تصمیم نگیرید!» اما مهم تر از آن روی سختم با خانواده هاست «چرا تحقیق درباره خواستگاران دخترتان را جدی نمی گیرید و با سرنوشت او بازی می کنید؟» می خواهم فریاد بزنم من یکی از هزاران قربانی «قرب در از دواج» هستم که دروغویی خواستگارم زندگی ام را به نابودی کشاند و فرزندم را به شکنجه گاه برد به گونه ای که...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۹ ساله مطلقه ای است که با دیدن آثار زخم و سوختگی های ناشی از کتک کاری بر اندام دختر کوچکش، اشک ریزان دست به دامان قانون شده بود تا از عامل کودک آزاری وحشیانه شکایت کند. این زن جوان با بیان این که طاق ت دیدن این زخم های وحشتناک را ندارم، درباره سرگذشت تلخ خود و دختر کوچکش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: در یک خانواده هفت نفره و در استان سیستان و بلوچستان قدم در این دنیای فانی گذاشتم. پدرم تاجر بین المللی بود و در زمینه صادرات و واردات به کشورهای مختلف فعالیت داشت به همین دلیل از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودیم. پدرم همه امکانات رفاهی و تحصیلی را برایمان فراهم می کرد به طوری که اعضای خانواده در آسایش و آرامش روزگار می گذراندیم تا این که «جلال» به خواستگاری ام آمد. آن زمان وارد پانزدهمین بهار زندگی ام شده بودم که با صلاح حدید بزرگ ترها پای سفره عقد نشستم چرا که ازدواج در سنین پایین در منطقه ما بسیار مرسوم بود و دختران کمتر به تحصیل می پرداختند و به ندرت تحصیلات شان را در مقاطع دانشگاهی ادامه می دادند. خلاصه من هم از این موضوع استثنا نبودم و درحالی که از امور خانه داری و شوهرداری آگاهی کافی نداشتم، زندگی جدیدی را در کنار جلال آغاز کردم ولی دوران نامزدی ما چند هفته بیشتر طول نکشید زیرا جلال اصرار داشت هر چه زودتر جشن عروسی را برگزار کنیم و به دنبال سرشرفت خودمان برویم. آن زمان معنای اصرارهای او را نمی فهمیدم و تصور می کردم به خاطر عشق و علاقه ای که به من دارد، بر کوتاه بودن دوران نامزدی فشاری می کند. اما هنوز یک سال بیشتر از آغاز زندگی مشترک ما نگذشته بود که با افشای راز پنهان جلال، زندگی من آشفته شد و در مسیر تباهی قرار گرفت. آن زمان به دلیل مشکلی که در یکی از ادارات دولتی برای همسر من به وجود آمده بود، باید اصل شناسنامه او را به آن اداره ارائه می دادیم. آن جا بود که دنیا دور سرم چرخید زیر ابررسی های کارشناسی مشخص کرد شناسنامه مذکور متعلق به فرد دیگری است! با لورفتن این ماجرا صدها سوال بی پاسخ ذهنم را درگیر کرد و مانند یک سونامی وحشتناک خانه و آشیانه ام را در هم کوبید. همچون مترسکی با چشمانی از حذقه بیرون آمده، حاج و واج به جلال نگاه می کردم و او جز سکوت خرفی برای گفتن نداشت. خلاصه ادامه این ماجرا نشان داد که همسر من تبعه خارجی است و با خرید یک جلد شناسنامه ایرانی، به خواستگاری من آمده است. این حقیقت تلخ درست زمانی فاش شد که یک ماه بیشتر به تولد دخترم باقی نمانده بود. از آن روز به بعد زندگی من به جهنمی سوزان تبدیل شد و همه چیز به هم ریخت. پدر و مادرم وقتی این موضوع را فهمیدند دچار افسردگی شدند. پدرم همواره خودش را سرزنش می کرد که چرا تحقیقات مناسبی درباره خواستگارم انجام نداده و این گونه آینده و سرنوشت ما را نبودی کشانده است. خلاصه زندگی من و خانواده ام درحالی به هم ریخت که شناسنامه همسر من ضبط شد و من نتوانستم این همه تلخکامی را تحمل کنم. جلال با یک دروغ بزرگ من و خانواده ام را به گرداب بدبختی انداخت. بالاخره به جرم «قرب در از دواج» از همسر شکایت کردم و بعد از تولد دخترم از او طلاق گرفتم. دادگاه نیز پس از بررسی پرونده، حضانت دخترم را به من سپرد. با ناامیدی و سرافکندگی نزد خانواده ام باز گشتم و مدتی بعد به مشهد مهاجرت کردم اما هشت سال بعد از این ماجرا همسر سابقم با حکم دادگاه به سراغم آمد و دخترم را نزد خودش برد. من هم از دخترم خداحافظی کردم و او را به دست نامادری سپردم تا این که چهار سال بعد و درحالی که در این مدت هیچ اطلاعی از همسر سابق و دخترم نداشتم ناگهان همسر جلال دخترم را به منزل ما آورد و او را رها کرد. درحالی که از دیدن آثار بریدگی با چاقو و سوختگی با اجسام داغ روی اندام دخترم وحشت زده شده بودم تازه فهمیدم جلال به اتهام مواد مخدر دستگیر و زندانی شده است و ...

شایان ذکر است با تایید پزشکی قانونی مبنی بر کودک آزاری و با صدور دستوری از سوی سرهنگ زمینی (رئیس کلانتری سپاد) این پرونده حساس توسط سرگرد گلکمانی در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. **ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**



متهم به قتل

نیز در بیرون از منزل کار می کرد تا این که روزی یکی از دوستانم به من گفت: «همسر من سوار خودروی مردی غریبه شده است!» این موضوع افکار مرا به هم ریخت و موجب سوءظن من شد. دیگر نمی توانستم طاقت بیاورم و با همسرم درگیر شدم! پدرزنم که در جریان این درگیری قرار گرفت نزد من آمد تا میانجی گری کند ولی سوءظن مانند خوره به جانم افتاده بود! به همین دلیل با پدرزنم نیز درگیر شدم. با فریادهای ما همسایگان دخالت کردند و ما از هم جدا شدیم اما او درحالی که روی پله ها ایستاده بود همچنان حرف هایش را تکرار می کرد که این موضوع به کری خوانی بین ما انجامید. در همین حال من که به شدت عصبانی بودم قلبان چوبی را برداشتم و از پشت ضربه ای به سرش زدم! او که گیج شده بود از پله ها بالا رفت که ناگهان در همان حال او را هل دادم و از روی دیوار به داخل کوچه سقوط کرد.

بنابراین گزارش، در پی اعترافات صریح متهم، قاضی شعبه ۴۰۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد دستور پایان بازسازی صحنه قتل را صادر کرد و داماد جوان که دستش به خون پدرزنش آلوده شده بود به زندان انتقال یافت تا این پرونده جنایی، دیگر مراحل دادرسی راطی کند.

(رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) گروهی از کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) بازجویی های فنی و تخصصی را آغاز کردند اما این جوان تلاش می کرد تا با داستان سرایی روند تحقیقات را به سوی سقوط غیر عمد بکشاند!

از سوی دیگر نیز با دستور مقام قضایی، جسد مرد ۵۴ ساله (مقتول) در پزشکی قانونی مورد کالبدشکافی قرار گرفت و علت مرگ ضربه با جسم سخت به ناحیه سر اعلام شد و بدین ترتیب تحقیقات پلیسی با راهنمایی های قاضی فرحبخش، روند پیچیده تری یافت. به گزارش خراسان، متهم پرونده که دو روز بعد از مرگ «محمد-د»، در تنگنای سوالات تخصصی قرار گرفته بود دیگر نتوانست در برابر مدارک و اسناد موجود، دوام بیاورد و به ناچار از سقوط مرگبار پدرزنش رافاش کرد و گفت: هنگام کری خوانی و عصبانیت با پدرزنم درگیر شدم و از پشت سر با تنه قلبان چوبی، ضربه ای به سرش زدم. او تلوتلو خورد و آن روی پاگرد پله هارفت و از آن جا از روی دیوار به داخل کوچه سقوط کرد! به دنبال اعترافات صریح متهم، وی توسط کارآگاهان به محل وقوع جنایت منتقل شد تا در حضور قاضی پرونده، صحنه قتل پدرزنش را بازسازی کند. به گزارش اختصاصی خراسان، در بازسازی

صحنه قتل که سرهنگ علی بهرامزاده (رئیس مرکز گشت) با گزارش مرگ «محمد-د» از سوی کارکنان بیمارستان به پلیس، این پرونده رنگ جنایی گرفت و بدین ترتیب تحقیقات قضایی وارد مرحله جدیدی شد. گزارش خراسان حاکی است، با دستور قاضی شعبه ۴۰۱ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد، متهم این پرونده برای انجام بازجویی های تخصصی درحالی که اختیار کارآگاهان زبده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت که او مدعی بود نقشی در سقوط پدرزنش از روی دیوار نداشته است. به همین دلیل و با دستور سرهنگ جواد شفیع زاده

داماد جوان راز سقوط مرگبار رافاش کرد

قتل پدرزن با قلبان چوبی!

شدیدی کشید به طوری که جملات رکیک و توهین آمیزی بین آن هار د و بدل شد. در این هنگام همسایگان «محمد-د» واسطه شدند و با دخالت آن ها، مشاجره پایان یافت.

بنابراین گزارش، با به دست آمدن این اطلاعات، بلافاصله قاضی فرحبخش دستور دستگیری داماد جوان را صادر کرد تا بررسی های دقیق تری در این باره صورت گیرد اما هنوز یک هفته مجروح داماد جوانش رخ داده است. همین موضوع کافی بود تا این پرونده به دلیل عمدی

نتیجه نرسید و او در این جدال چندروزه، تسلیم مرگ شد. با گزارش مرکز مرگ «محمد-د» از سوی کارکنان بیمارستان به پلیس، این پرونده رنگ جنایی گرفت و بدین ترتیب تحقیقات قضایی وارد مرحله جدیدی شد.

گزارش خراسان حاکی است، با دستور قاضی شعبه ۴۰۱ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد، متهم این پرونده برای انجام بازجویی های تخصصی درحالی که اختیار کارآگاهان زبده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت که او مدعی بود نقشی در سقوط پدرزنش از روی دیوار نداشته است. به همین دلیل و با دستور سرهنگ جواد شفیع زاده

را به بخش مراقبت های ویژه منتقل کردند اما این مرده به کمarf ت و به جدال با مرگ پرداخت. از سوی دیگر نیروهای کلانتری طبرسی شمالی نیز برای بررسی ماجرای سقوط هولناک مرد ۵۴ ساله عازم محل وقوع حادثه شدند و به تحقیق در این باره پرداختند. بررسی های مقدماتی پلیس نشان می داد که دقایقی قبل از سقوط، درگیری خانوادگی بین مرد مجروح و داماد جوانش رخ داده است. همین موضوع کافی بود تا این پرونده به دلیل عمدی

این گزارش، بلافاصله نیروهای اورژانس آژیرکشان عازم خیابان شهید محبی ۲۹ شدند و چهره خون آلود مردی را دیدند که با سر از دیوار منزل مسکونی به پایین سقوط کرده بود. اگرچه «محمد-د» آخرین نفس های زندگی را می کشید اما باز هم نبض زندگی در ضربان قلبش، روزنه ای از امیدواری به حیات را نمایان می کرد. این گونه بود که مرد بهوش با برانکار به درون خودروی اورژانس انتقال یافت و آمبولانس آژیرکشان عازم بیمارستان شهید هاشمی نژاد شد.

گزارش خراسان حاکی است، کادر درمانی با دیدن وضعیت وخیم مرد مجروح، بی درنگ او

پدرزنش دستگیر شده بود، راز این جنایت وحشتناک رافاش کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این جنایت هولناک از چهارم بهمن زمانی روی میز قاضی شعبه ۴۰۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد گشوده شد که اهالی خیابان شهید محبی در تماس با پلیس ۱۱۰ و نیروهای امدادی اورژانس، از سقوط مرد ۵۴ ساله ای به داخل کوچه خبر دادند. به دنبال دریافت

این گزارش، بلافاصله نیروهای اورژانس آژیرکشان عازم خیابان شهید محبی ۲۹ شدند و چهره خون آلود مردی را دیدند که با سر از دیوار منزل مسکونی به پایین سقوط کرده بود. اگرچه «محمد-د» آخرین نفس های زندگی را می کشید اما باز هم نبض زندگی در ضربان قلبش، روزنه ای از امیدواری به حیات را نمایان می کرد. این گونه بود که مرد بهوش با برانکار به درون خودروی اورژانس انتقال یافت و آمبولانس آژیرکشان عازم بیمارستان شهید هاشمی نژاد شد.

گزارش خراسان حاکی است، کادر درمانی با دیدن وضعیت وخیم مرد مجروح، بی درنگ او

۴۱ هکتار از جنگل های گیلان دچار حریق شد

۲۲ مورد آتش سوزی در تعدادی از شهرستان های استان روی داد که خوشبختانه سطحی بوده است. وی گفت: با وجود شدت وزش باد گرم در استان با تلاش های انجام شده دست اندرکاران همه کانون های آتش خاموش شده و فقط آتش در عرصه منابع طبیعی روستای خراود شهرستان سیاهکل شعله ور اما تحت کنترل است و نیروهای عملیاتی همچنان در آن منطقه حضور دارند.



۴۱ هکتار از جنگل های گیلان در شهرستان های مختلف این استان بر اثر وزش باد گرم دچار حریق شد. به گزارش تسنیم از رشت، طبق پیش بینی های سازمان هواشناسی وزش باد گرم شدید و در برخی اوقات خیلی شدید پدیده جوی غالب استان گیلان در چند روز اخیر بوده که همچنان نیز ادامه دارد. از سوی دیگر به علت همین شرایط ۴۱ هکتار از جنگل های استان در شهرستان های مختلف دچار حریق شده است. محسن یوسف پور مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان، با بیان این که ۴۱ هکتار جنگل در هشت شهرستان استان دچار حریق شده است اظهار کرد: تالش، سیاهکل، رضوانشهر، ماسال، آستارا، رودبار، فومن و رشت از شهرستان هایی هستند که با آتش سوزی جنگل مواجه شدند. در همین حال، رضا اسلامی مدیر کل مدیریت بحران استانداری گیلان با بیان این که تمامی کانون های آتش سوزی عرصه منابع طبیعی در استان خاموش شده است، افزود: از روز پنج شنبه

لوکس سازی دهخدا
لوخ تقدیر، آلبوم بله برون...
۸۰۱۰۵۰۷۱۵۰

با تهیه فیش حج
به سرزمین وحی سفر کنید
خرید - فروش - تمنع - عمره
نش معلم ۱۳ - پلاک ۱
۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵

فروش مغازه تجاری
بلوار سازمان آب، خیابان شهید صادقی ۱۳
(محل سابق رستوران سدریس)
سرقفی ۱۶۰ متر هکت تجاری ۱۷۰/ متر زیرین تجاری
۴۰ متر پالکن
قیمت ۸/۵ میلیارد تومان
و یا معاوضه با چند واحد آپارتمان
۰۹۹۰۵۷۱۰۲۰

انواع کت و شلوار
۱۲۹ هزار تومان
کاپشن ۱۲۹. شلوار لی و کتان ۶۹ تومان
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگمهر

چاپ شایسته
نصب و راه اندازی اولین ماشین چاپ افست GTO پنج رنگ هایدلبرگ
ماشین دوورقی دورنگ هایدلبرگ
ماشین GTO دو رنگ هایدلبرگ
سلفون کش / صحافی - تریپرس
خراسان رضوی، مشهد، خیابان شهید منتظری، پلاک ۱۳۴
تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۰۳۱۵۲-۳۸۴۵۱۹۱۳-۳۸۴۵۲۶۴۸
shayestehprint@gmail.com s_h_prints@yahoo.com
۹۳۸۰۵۲۶۰۵۵

گروه یاس
YASS GROUP

خنیر لوازم آشپزخانه
پیر لوازم خانگی
پسته خدمات پس از فروش

جشنواره فروش نقدی و اعتباری

اقساط ۱۲ الی ۳۶ ماه بدون پیش پرداخت

امور مشترکین گروه یاس: ۳۸۴۴ ۴۰۰۰

۱۲ شعبه در مشهد / شعبه مرکزی: بین سبباد ۴۵ و ۴۷، مجتمع لوازم خانگی یاس

DAEWOO **DE** **SNOWA** **Tecnogas** **BOSCH** **Akhavan**